

عکسبرداری کنم. نور مناسب برای نماهای شمالی و جنوبی و غربی و شرقی در هر فصل متفاوت است. سعی کردم نور مناسب را ثبت کنم.

نور مناسب برای ثبت بافت یک ساختمان در نمای شمالی، هنگام طلوع خورشید است. نمای جنوبی در تمام فصول و در بیشتر مواقع نور مناسبی دارد. هنگام طلوع و غروب خورشید نور مایلی به ساختمان می تابد و چنانچه مانعی ایجاد سایه نکند عکس خوبی می توان تهیه کرد. بنا به فصل عکاسی، صبحها نور مناسبی برای مناظر بیرون ایجاد می شود. در فصل پاییز و بهار، بعلت وجود ابرهای فراوان در آسمان، تصاویر زیبایی بوجود می آید. غروب کمتر است کمتری به وجود می آورد و قرمزی آسمان هم تصاویر جالب توجهی. هنگام غروب باید هم نور لامپهای موجود و هم نور محیط 18 محاسبه شود و به طور تخمینی دیافراگم و شاتر مناسب را انتخاب نمود. بعلت استفاده از زمانهای طولانی در نوردهی در نور کم، استفاده از سه پایه ضروری است و به همین منظور از یک سه پایه که حدود دو و نیم متر ارتفاع داشت استفاده کردم. در عکاسی نمای خارجی مجبور به استفاده از یک نردبان برای دیدن تصویر از داخل ویزور دوربین شدم.

برای شارپ بودن عکسها از دیافراگم بسته (32 برای لنز 40 میلی متر و 22 برای لنز 80 میلی متر) استفاده کردم، که در نتیجه نور لامپ یا چراغ ستاره ای دیده شود. برای فضاهای بیرونی کاخ از اسلاید فوجی و یا کدک VS مخصوص نور روز و برای فضاهای داخلی از اسلاید تنگستن استفاده کردم. از فلاشهای استودیو برای نوردهی در فضاهای داخلی کمک گرفتم. فلاشها را روی دیوارها یا سقف که بعضاً سفید بودند می تاباندم، تا حتی المقدور از سایه های تیز اشیاء بپرهیزم. برای نورپردازی در فضاهای داخلی بهترین روش، تکنیک فلاش باز بود. به این منظور شاتر را روی B گذاشته و بسته به زمانی که نورسنج مشخص می کرد، مثلاً 30 ثانیه و گاهی بیشتر، در مدت نوردهی حداکثر 8 بار فلاش می زدم. نور فلاش آبی می شد. با توجه به اسلاید تنگستن که استفاده می کردم، شدت نور لوسترها آنرا از بین می برد. در بعضی از تصاویر تنها مدلینگ ها روشن بوده است و از فلاش برای روشن کردن نواحی تیره استفاده کردم.

در بعضی نقاط مثلاً فرش، لازم بود فلاش را مستقیم روی آن بتابانم، چیدن اسباب و اثاثیه به دلخواهم ممکن نبود، به همین دلیل اغلب از زاویه ای نورپردازی می کردم که سایه های تیز پایه های میز و صندلی کمتر دیده شوند. در بعضی از تصاویر بعلت وجود آینه باید دوربین را در زاویه ای قرار می دادم که انعکاس خودم در آن دیده نشود، ولی از خاصیت انعکاس آن برای تشدید نور نیز بهره برده ام. برای کم کردن شدت نور لوسترها، همکارانم به مدت چند ثانیه از زمان نوردهی، آنها را خاموش می کردند. در کاخ ملت، بعلت وسیع بودن محیط، مجبور به استفاده از لامپهای اضافی شدم. گاهی تابش نور به سقف و دیوارها، بخاطر بلندی آن نور لازم را نمی داد.

از فیلم نرمال با حساسیت 100، بخاطر کنتراست زیادی که در فضاهای داخلی وجود دارد، استفاده کردم. ابتدا اسلاید نور روز کار کردم؛ ولی بعلت وجود آینه ها و نور لوسترها که بر نور فلاش غلبه داشت و نور اصلی محسوب می شد، آنرا به تنگستن تغییر دادم. به همین دلیل در بعضی از فضاها که پنجره وجود داشته نور روز کمی آبی دیده می شود. برای از بین بردن آن راه دیگری نداشتم، ولی حتی المقدور سعی کردم هنگام عکاسی، نور مستقیم از پنجره نتابد و در بعضی موارد برای یکنواخت کردن نور موجود، مجبور به استفاده از رفلکتور بودم.

به منظور عکاسی در شب، فصل زمستان و پاییز که روزها کوتاهتر است را انتخاب کرده، تا با زمان تعطیلی مجموعه سعدآباد فاصله کمتری داشته باشد. بر روی بناهای سعدآباد در شب نورپردازی می شود و من از این امر استفاده کردم. این نورها رنگ زردی به ساختمان می دهد، گویی رازی در دل تاریک شب وجود دارد، و بنا همچون معدن طلائی میدرخشد، که راز شب را درون خود پنهان کرده است. از این حداکثر استفاده را کردم. عکاسی از بنا، کاری است بس دشوار و پرحوصله. امید به ادامه این کار دارم.

